

بررسی سیاست دینی پادشاهان اشکانی

دکتر احمد کامرانی فر

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشکده علوم انسانی واحد نجف آباد

دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، اصفهان، ایران

Kamranifar43@yahoo.com

راضیه مصطفوی (نویسنده مسئول)

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان گروه تاریخ دانشکده علوم انسانی

واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، اصفهان، ایران

raziieh.mostafavi@gmail.com

چکیده

در ایران عهد باستان همه ی ادیان و مذاهب، در رقابت با یکدیگر، به دنبال رسیدن به قدرت بودند و حتی سعی در تشکیل حکومت داشتند. برخی حکومت ها هم با به قدرت رسیدن بعضی از ادیان تشکیل شده اند. در این میان حکومت اشکانی با روحیه بردباری و شکیبایی مذهبی، خود را از دعوای دینی رها ساخت و توانست بر ادیان حکومت کند. شاهان اشکانی که عقاید مذهبی خود را داشتند و گاهی در راه رسیدن به مقاصد سیاسی، خویش را مقید به انجام امور دینی نشان می دادند با سیاست تساهل و تسامح دینی، همه ی ادیان و مذاهب را به رسمیت شناختند ولی هیچ دین و مذهبی را به عنوان آیین رسمی اعلام نکردند و پیروان هر یک از ادیان، آزادانه در کیش خود باقی می ماندند. سوال اصلی این مقاله عبارت از آن است که: سیاست دینی پادشاهان اشکانی بر چه اساسی بود؟

این پژوهش در ردیف تحقیقات تاریخی جای می گیرد که به شیوه ی تحلیلی توصیفی به نگارش درآمده است و از نظر هدف از جمله تحقیقات نظری می باشد. در فرایند تحقیق، اطلاعاتی راجع به سیاست دینی شاهان اشکانی جمع آوری شده که با مطالعه ی آن می توان روحیه ی تساهل و تسامح مذهبی اشکانیان را عامل مهم عمر طولانی حکومت اشکانی دانست.

این مقاله با بررسی همه جانبه موضوع به مواردی از جمله: عقاید دینی و باورهای مذهبی سلاطین اشکانی، سیاست دینی شاهان اشکانی، بررسی تساهل و تسامح مذهبی در دوره ی اشکانیان؛ پرداخته است. این نوشتار شامل یک مقدمه، متن اصلی، نتیجه و فهرست منابع و مأخذ می باشد.

واژگان کلیدی: دین، سیاست دینی، اشکانیان، تساهل و تسامح.

مقدمه

تاریخ پانصد ساله امپراتوری اشکانی که به نوعی عصر زرین و دوران شکوه ایران در دوران باستان را به خود اختصاص داده؛ از چند جهت قابل تامل و مورد بررسی است. یکی از عوامل مهم عمر طولانی حکومت اشکانی؛ بدون تردید سیاست تساهل و تسامح مذهبی شاهان اشکانی است که در طول تاریخ ایران به ندرت تکرار گردیده است. اشکانیان با روحیه بردباری و تسامح دینی نسبت به پیروان همه ی ادیان؛ موجب اتحاد و انسجام میان ادیان مختلف شدند و همچنین ثبات و آرامش را در امپراتوری خود برقرار نمودند. در واقع سلاطین اشکانی با شکیبایی و رواداری مذهبی نسبت به رعایای خویش و در برابر اقوام مغلوب؛ متحدین امپراتوری خود را افزایش می دادند و به اقتدار حکومت شان می افزودند. پادشاهان اشکانی هیچ اصراری نسبت به تغییر آیین اسیران و ملل تابعه نداشتند و حتی خود مختاری قابل ملاحظه ای به ایالات تحت سلطه ی امپراتوری خویش می بخشیدند و اینگونه از شورش های احتمالی با انگیزه های دینی بر علیه حکومت می کاهیدند و موجب اتحاد و همبستگی میان ادیان مختلف و اقوام گوناگون به نفع دولت اشکانی می شدند.

در دوره ی اشکانیان همه ادیان و مذاهب به رسمیت شناخته می شد ولی هیچ دین و مذهبی، به عنوان آیین رسمی اعلام نگردید. به همین علت پیروان همه ی ادیان، آزادانه به انجام امور آیینی خود می پرداختند و اینگونه زمینه ی رشد و پیشرفت ادیان مختلف در ایران عهد اشکانی فراهم گردید.

این مقاله بر محور این سوال است که سیاست دینی پادشاهان اشکانی بر چه اساسی بود؟ افزون بر این سوال اصلی، سوالات فرعی به این صورت مطرح است: اعتقادات دینی و باورهای مذهبی سلاطین اشکانی چه بود؟ به دنبال چه سیاستی پادشاهان اشکانی هیچ دین و مذهبی را رسمی اعلام نکردند؟ مهمترین پیامد تساهل و تسامح مذهبی در دوره ی اشکانیان چه بود؟

در پاسخ به سوال اصلی این مقاله، فرضیه ی اصلی بدین شرح است: پادشاهان اشکانی بر این باور بودند که اگر یک دین به عنوان آیین رسمی اعلام شود، ممکن است در آینده روحانیون این دین، رقیب جدی برای حکومت شوند و در امور سیاسی دخالت کنند. از این رو سیاست

بردباری و تسامح دینی را در برابر پیروان ادیان و مذاهب و رویارویی با اقوام و ملل تابعه پیش گرفتند. دیگر سوالات فرعی این تحقیق را می توان با این فرضیات پیگیری نمود و در طول پژوهش به پاسخ مناسب آن ها دست یافت: اغلب شاهان اشکانی پیرو تعالیم میترائیسم و کیش مهر بودند و برخی از آنان به آیین زرتشت گرایش داشتند. نکته قابل تامل این که سلاطین اشکانی، بیشتر برای رسیدن به مقاصد سیاسی؛ خویش را مقید به انجام امور دینی نشان می دادند. در حالی که فاقد تعصبات مذهبی بودند. پادشاهان اشکانی معتقد بودند با رسمی شدن یک دین، اتحاد لازمی را که برای تثبیت حکومت خود نیاز دارند را از دست می دهند. زیرا در آن دوره، اهمیت گرایش های مذهبی کمتر از ملی گرایی بود. لذا اشکانیان بر آن بودند که با ایجاد اتحاد لازم، بیگانگان (سلوکیان) را از ایران بیرون رانده و قدرت و حکومت را به دست گیرند. سیاست تساهل و تسامح مذهبی در دوره ی اشکانیان موجب گردید تا پیروان همه ی ادیان از وضعیت تبلیغی یکسانی برخوردار گردند. از این رو تا پایان حکومت اشکانی، هیچ شورش با انگیزه های دینی بر علیه اشکانیان روی نداد.

این پژوهش از نظر هدف در ردیف تحقیقات نظری قرار می گیرد و از نظر ماهیت و روش کار، یک تحقیق تاریخی است که به شیوه ی توصیفی - تحلیلی نوشته می شود. از آنجا که این مقاله یک پژوهش تاریخی می باشد، اطلاعات مربوط به آن به صورت کتابخانه ای جمع آوری شده است.

در انجام این پژوهش اطلاعاتی راجع به دین در دوره ی اشکانیان جمع آوری شده است و سعی شده آنچه را که به صورت محدود و پراکنده در کتب مختلف نوشته شده بود، به صورت یکجا گردآوری شود. انجام این تحقیق می تواند در موسسات آموزشی و پژوهشی همچون دانشگاه ها، گروه های تاریخ، معلمین مدارس کاربرد داشته باشد و مورد استفاده آن ها قرار بگیرد. اگر چه اطلاعات و مسائل مربوط به موضوع پژوهش در کتب مختلف به صورت پراکنده موجود است اما به صورت یکپارچه و همراه با تجزیه و تحلیل اطلاعات، کار در خور توجهی صورت نگرفته است.

یکی از چشمگیرترین مشکلات این تحقیق محدود بودن منابع درباره ی تاریخ اشکانیان است و اینکه بیشتر کتب مطالعاتی مربوط به این دوره ، به وضعیت سیاسی پارتیان پرداخته و به مسائل فرهنگی و مذهبی و آنچه مربوط به موضوع این پژوهش است پرداخته نشده و یا کمتر مورد بررسی قرار گرفته است . از این رو برای انجام این پژوهش با کمبود منابع مواجه بودم .

عقاید دینی و باورهای مذهبی سلاطین اشکانی

در برخی اعتقادات مذهبی ، بعضی از اعداد ، مقدس و محترم شمرده می شوند . تقدس اعداد ریشه در تاریخ عقاید دینی دارد ، از این رو می توان با بررسی قداست اعداد در دوره ی تاریخی خاص به رواج آیین و عقاید مذهبی رایج آن زمان پی برد . «در فرهنگ میتراپی ، غار میترا هفت در و محراب دارد و نردبان هفت پله مظهر درجه راز آشنایی در آیین رمزی آن هاست . در آیین مهر روی برخی از نقوش برجسته ها هفت سرو دیده می شود . مهرکده ناحیه دورا دارای هفت پله است که به محرابی ختم می شود .» (نورآقایی ، ۱۳۹۰ :ص ۷۸) در آیین میترا و نزد پیروان کیش مهر، عدد هفت دارای تقدس و مورد احترام بود .

قداست عدد هفت در آیین میترا و برخی ادیان دیگر مشهود است . «عدد هفت به خصوص در بابل به دلیل پرستش هفت سیاره مقدس بود و از آنجا به فرهنگ کشورهای دیگر از جمله ایران نفوذ کرده است . تاثیر آن را در ادیان مختلف به خصوص در آیین مهرپرستی می توان دید . هفت مقام سیر و سلوک و تشریف در این دین مرحله کلاغ ، همسر ، سرباز ، شیر ، پارسی ، پیک خورشید و پیر تحت حمایت سیاره قرار داشته است .» (حسین شکرایی ، ۱۳۹۰ :ص ۱۷۱ . جهت آگاهی بیشتر ر ک یعقوبی ، ۱۳۸۹ :ص ۱۹۴) محترم شمردن عدد هفت در هفت سین نوروز ، همچنین هفت شاخه ی شمع دان مقدس یهودیان و تقدس عدد هفت که در اغلب ادیان رایج است ، ریشه در آیین مهر دارد .

با توجه به قداست عدد هفت نزد پیروان کیش مهر و رواج میترائیسم در دوره ی اشکانیان ، به پیوند هفت خان اشرافی با حکومت اشکانی در آیین میترا پی می بریم . «عدد خاندان هایی هم که در رسیدن پادشاهان اشکانی به قدرت نقش داشتند نیز حائز اهمیت می شود . این عدد با احتساب خود خاندان اشکانی ها به هفت می رسد. این عدد از زاویه ای مبین اندیشه و نظام

میترائیسم است.» (کرتیس ، ۱۳۹۰ : ص ۵۶ . جهت آگاهی بیشتر ر ک رجبی ، ۱۳۸۶ : ص ۱۲۱) از این رو می توان نتیجه گرفت که دولت اشکانی بر پایه و اساس تعالیم میترائیسم شکل گرفته و اغلب پادشاهان به پرستش مهر و آیین میترا گرایش داشته اند

با بررسی اطلاعات محدود در مورد بیرق و پرچم های عصر اشکانی به علائم و نشانه های آیین میترا بر می خوریم . «ما آگاهی درست و به جایی از این دوره نداریم و بدین گونه آگاهی ما نیز در زمینه ی بیرق های این دوره ناچیز است . اما باز هم با بررسی تاریخ می بینیم اشکانیان پرچم های ابریشمین زیبایی داشته اند . نقش درفش اشکانیان ، اژدها ، خورشید ، اسب و خوشه بوده و گاه عقابی به کار می بردند و گاهی هم ماه و ستاره» (بختورتاش ، ۱۳۸۷ : ص ۱۱۰ . جهت آگاهی بیشتر ر ک ورستاندیگ ، ۱۳۸۶ : ص ۷۱ . لوزینسکی ، ۱۳۸۰ : ص ۲۴) نقوشی که ذکر شد ، ریشه در تعالیم میترائیسم دارد و این نشان از رواج و گسترده گی مهر در این دوره و گرایش اغلب شاهان اشکانی به آیین میترا است .

در دربار مرکزی حکومت اشکانی ، آیین میترا حضوری پر رنگ و فعال داشت . در این میان گرایش برخی از شاهان به کیش مهر نیز مزید علت است . «در دربار مرکزی نیز مهر پرستی نقش حساس داشته است وگرنه حکومت مرکزی می توانسته است از گسترش مهر پرستی به وسیله ی شاهان محلی دست نشانده جلوگیری کند.» (رجبی ، ۱۳۸۷ : ص ۱۲۱) پیشرفت و رشد میترائیسم مدیون حمایت اغلب پادشاهان اشکانی و اشراف حامی حکومت در عصر اشکانیان است .

با بررسی نام برخی از شاهان اشکانی شاید بتوان به گرایش آنان به پرستش مهر و آیین میترا پی برد . «خورشید را نام میثره یا مهر در معابد پرستش می نمودند ، خدای مهر در عصر اشکانی مورد احترام بود . چنان که برخی از شاهان اشکانی نام مهرداد داشتند و در سندی نام مهریخت ذکر شده است.» (میرسعیدی ، ۱۳۸۷ : ص ۱۱۲ . جهت آگاهی بیشتر ر ک رجبی ، ۱۳۸۷ : ص ۱۲۱ . فرای ، ۱۳۸۶ : ص ۳۲۳) در میترائیسم خورشید و منبع نور ، مقدس و مورد احترام بود . «واژه ی مهربان یا جای مهر ، احتمالاً در اصل صرفاً به معنای مکانی برای آیین های عبادی مهم که بر آمدن خورشید یا نیمروز ، یعنی گاه تحت حمایت خاص میثره انجام می شدند بوده است.» (بویس ،

۱۳۹۱:ص ۱۱۹) محترم شمردن طلوع خورشید و برآمدن آفتاب و به کارگیری برخی اصطلاحات و عناوین در این دوره، نشان از رواج آیین میترا در عصر اشکانیان دارد.

با مورد بررسی قرار دادن نام بعضی از حاکمان قوم پارت و برخی از پادشاهان اشکانی نیز به زرتشتی بودن آنان پی می بریم. «ظاهراً این واقعیت که نام شاهان پارت اکثراً زرتشتی بوده ثابت می کند که اشکانیان پیوند نزدیکی با این دین داشته اند.» (ولسکی، ۱۳۸۸: ص ۱۲۴. جهت آگاهی بیشتر رک شیپمان، ۱۳۹۰:ص ۱۲۲) هر چند ریشه لغوی نام برخی از آنان تحت تاثیر تعالیم زرتشت است و می توان اینگونه متوجه ی گرایش این شاهان به دین زرتشت شد، ولی تنها نام پادشاه نشان از دین وی نیست؛ بلکه ممکن است به کارگیری نامی خاص، فقط به صرف شهرت داشتن و رایج بودن، مورد استفاده قرار گرفته باشد.

تمایل برخی از شاهان اشکانی به دین و مذهبی خاص مشهود است ولی نمی توان برای تمام سلاطین این سلسله یک آیین واحدی ذکر کرد زیرا ممکن است هر یک از آنان به یک دین گرایش یافته باشند. «با اینکه گرد آوری اوستا را به زمان اشکانیان نسبت می دهند، از زرتشتی بودن اشکانیان مطمئن نیستیم.» (رجبی، ۱۳۸۶: ص ۱۴۴. جهت آگاهی بیشتر رک دیاکونوف، ۱۳۹۱:ص ۱۳۵. گیرشمن، ۱۳۸۸: ص ۳۱۸) عوامل سیاسی در حمایت اشکانیان از برخی ادیان نقش بسزایی داشته است. «اشکانیان به ظاهر و به علل سیاسی مزدا پرست بوده اند تا با معتقدات رعایای خویش هم‌رنگ باشند. آب و آتش را مقدس می شمردند، شعله مخصوص شاهان اشکانی همیشه بر پا بود.» (صمدی، ۱۳۸۳: ص ۴۱) در واقع شاهان اشکانی برای دستیابی مقاصد خود از کیش و آیینی حمایت کرده و در انجام امور مذهبی، خود را مقید نشان می دادند تا ثبات و آرامش امپراتوری خویش را حفظ نمایند.

اعتقادات دینی پادشاهان حتی در اغلب حکومت هایی که دین و عقاید مذهبی جایگاه رفیعی دارد، فقط به شکل ظاهری و حالت سمبلیک است. این قاعده نیز در دوره ی اشکانیان که تسامح و مدارای دینی داشتند هم بر قرار بود. «شواهد موجود نشان می دهند که دین فرمانروایان بیشتر دینی لوکس، نمایشی، تشریفاتی و سیاسی بوده است و برابر با ذوق و هوای فرمانروای وقت، تا باوری عمیق و متکی بر سنت های دینی همگان. البته پیداست که همین دین نمایشی و سلیقه ای

، به سبب امکانات و توانایی های بی مرز فرمانروایان ، به مرور در باورهای عمومی و آیین های مردمی رسوب می کرده است .» (رجبی ، ۱۳۸۷: صص ۱۸۰ - ۱۷۹ . جهت آگاهی بیشتر رک رجبی ، ۱۳۸۶ :ص ۱۴۳) وجهه ی دینی و ظاهر مذهبی شاهان اشکانی که به علل سیاسی ، بیشتر جنبه ی نمایشی داشت ، در دوام و بقای حکومت آنان نقش بسزایی ایفا کرد . و همچنین موجب رشد و نمو برخی عقاید دینی و تعالیم مذهبی در میان باورهای توده مردم گردید .

سیاست دینی شاهان اشکانی

اشکانیان با تحریک احساسات ملی ایرانیان ، زمینه ی اتحاد علیه سلوکیان را فراهم کردند . آن ها از همان ابتدا به جای تحریک عواطف مذهبی ، به تحریک گرایش های ملی پرداختند ، تا اینگونه همه ی پیروان ادیان رایج در ایران را بر علیه بیگانگان (سلوکیان) متحد کنند . «دولت اشکانی دولتی جوان بود و هنوز قوامی نداشته و برای رسیدن به مقصود یعنی بیرون کردن سلوکیان از ایران ، باید بر خلاف سلوکی ها ، یک دولت ملی تشکیل دهند و در این صورت هم ، جز حفظ مؤسسات ملی چاره ای ندارند .» (پیرنیا ، ۱۳۸۹ : صص ۲۱۶۳ - ۲۱۶۲ . جهت آگاهی بیشتر رک زرین کوب ، ۱۳۸۸ :صص ۳۴۷ - ۳۴۶ . رجبی ، ۱۳۸۷ :ص ۱۶۷) در دوره ی اشکانی احساسات ملی و ملی گرایی ، بیشتر از ترویج اعتقادات دینی و گرایش های مذهبی ، اهمیت داشت زیرا اشکانیان برای بیرون راندن سلوکیان از ایران ، به اتحاد و همبستگی همه ی ادیان و مذاهب نیاز داشتند .

عمده ی شیوه ی حکومت در عصر اشکانی ، تحت تأثیر روش حکومت سلوکیان بود ، به صورتی که قلمرو به شکل ملوک الطوائفی اداره می شد . «از اشکانیان به اسم ملوک الطوائف صحبت می شود ، یعنی یک سلسله و یک عده پادشاهانی که با هم در یک زمان در جاهای مختلف مملکت سلطنت می کردند .» (زرین کوب ، ۱۳۸۸ :ص ۱۵۸ . جهت آگاهی بیشتر رک بیانی ، ۱۳۸۶ :ص ۶۵) البته این نکته حائز اهمیت است که مورخان مسلمان ، به کارگیری واژه ی ملوک الطوائف ، برای حکومت اشکانیان را بیشتر به جهت کم اهمیت جلوه دادن آن دوران مورد استفاده قرار می دادند .

ایران در زمان اشکانیان به صورت ملوک الطوائفی اداره می شد و مورخان مسلمان « عهد بین اسکندر و ساسانیان را عهد ملوک الطوائف ایران خوانده اند . این واژه ترجمه ای است از لغت کذک خودای پهلوی ، که به معنای صاحبخانه یا والی آمده است .» (تنکابنی ، ۱۳۸۳ : ص ۲۰ . جهت آگاهی بیشتر ر ک فره وشى ، ۱۳۸۸ : ص ۴۹۰ - فره وشى ، ۱۳۹۰ : ص ۳۲۳) پیروان هر یک از ادیان برای ایجاد اتحاد میان خود ، در یک قسمت از سرزمین ایران سکنا می گزیدند . اداره ی کشور به شکل ملوک الطوائفی ، هم کمک به انسجام و استقلال هر ایالت (ساتراپ) و هم موجب ثبات و آرامش در کشور می شد ، همچنین عاملی برای سیاست تساهل و تسامح مذهبی توسط شاهان اشکانی و در مجموع حکومت اشکانیان بود .

دولت اشکانی از ایالات مختلفی تشکیل شده بود که هر یک در امور اجتماعی و اقتصادی مستقل بودند . «اشکانیان برای آن که وفاداری و فرمان برداری را در میان رعایای خود حفظ کنند ، خود مختاری قابل ملاحظه ای به آن ها داده بودند .» (ادی ، ۱۳۹۲ : ص ۱۱۶) حاکمان ایالات به لحاظ سیاسی تحت امر دولت مرکزی بودند و به حکومت اشکانی مالیات سالانه می پرداختند و در صورت نیاز دربار ، نیروی نظامی در اختیار آنان می گذاشتند . «مرکز قانع است به اینکه دولت های کوچک در موقع لزوم قشون بفرستند و باجی بدهند .» (پیرنیا ، ۱۳۸۹ : ص ۲۱۶۶) اگر استقلال و خود مختاری ایالات از سوی دربار و شاهان اشکانی مورد خدشه و تنزل قرار می گرفت ، در هنگام دفاع از قلمرو و یا حین لشکرکشی و فتوحات ، حاکمان ایالات به کمک حکومت اشکانی نمی شتافتند و قشون نظامی نمی فرستادند . از این رو دربار و شاهان اشکانی به پیروان ادیان گوناگون و در همه ی ایالات احترام می گذاشتند ، همچنین به حاکمان ایالات در انجام امورات آیینی و مذهبی ، آزادی و استقلال می دادند .

در دوره ی اشکانیان قوانین قضایی واحدی وجود نداشت و ایالات مختلف طبق عرف های رایج ، قوانین حقوقی و محاکم دادرسی خود را داشتند . «آنچه در تاریخ راجع به دوره ی اشکانی روشن است و از خصایص آن دوره به شمار می رود ، اصل عدم تمرکز در امور سیاسی و اصل آزادی مذهب در امور دینی است ؛ به این مفهوم که دولت در امور مذهبی اتباع خود مداخله نمی کرد . بنابراین در دوره ی اشکانیان به دلیل ملوک الطوائفی بودن ، اصول قضایی واحد و ثابتی هم

شکل نگرفته» (عرب بدوئی، ۱۳۸۸: ص ۹۸) عدم تعیین و ابلاغ قوانین حقوقی واحد در تمام امپراتوری، نه تنها هرج و مرج ایجاد نکرد، بلکه موجب انسجام و استقلال هر ایالت و ثبات و آرامش جامعه اشکانی گردید.

در دوره ی اشکانیان اشراف از موقعیت مناسبی برخوردار بودند. در این دوره هفت خاندان اشرافی در ایران حضوری فعالی و تأثیر گذار در امور سیاسی و تجاری داشتند. «اشراف در نظام پلکانی قدرت شاهنشاهی اشکانی به منظور حکومت بر سرزمین وسیع پارتیان و نیز رهبری جنگ از جایگاه مهمی برخوردار بوده اند. بدین سان، داشتن روابط حسنه با آنان برای شاهان اشکانی دارای اهمیت بسیار بوده است.» (ویزهوفر، ۱۳۹۲: صص ۴۳۵ - ۴۳۴) هر یک از این هفت خاندان اشرافی شاید به یک کیش و آیینی گرایش داشتند، از این رو سیاست مذهبی شاهان اشکانی برای روابط دوستانه و مسالمت آمیز با اشراف جامعه بسیار مهم و در قدرت پادشاهان تأثیر گذار بود. به همین خاطر، دربار اشکانی برای ثبات حکومت خود، سیاست تسامح و مدارای دینی را در امور سیاسی اتخاذ کرد.

از مهم ترین عوامل عمر طولانی حکومت اشکانیان، اعتقاد قوی آنان و تسلط بر تجارت منطقه و حراست از جاده ی ابریشم بود. «در ۱۴۰ ق م تجارت در دست یونانی ها و بابلی های یونانی مآب بود. پارتیان نمی خواستند رونق و شیوه ی زندگی مملکتشان دچار پریشانی شود.» (ادی، ۱۳۹۲: ص ۱۱۴) به همین علت راه را برای تجار و بازرگانان که اغلب فاقد تعصبات مذهبی هستند، باز کرده و با سیاست مذهبی حکومت اشکانی که به شیوه ی تساهل و تسامح بود و رنگ و بوی مدارا داشت، زمینه ی تجارت و بازرگانی را در ایران فراهم کردند.

شکیبایی و رواداری دینی شاهان اشکانی موجب آزادی فعالیت های مذهبی همه ی ادیان در ایران شد، علاوه بر این دربار اشکانی سعی در ایجاد اتحاد میان ادیان به نفع حکومت داشت و همچنین اتخاذ کرده بود که از اشتراکات کیش ها و آیین ها برای رفع اختلاف ها و جلوگیری از تضاد میان ادیان بکاهد. «حکومت برای وحدت بخشیدن به همه ی افکار فلسفی و آیین های گوناگونی که در سراسر قلمرو خود وجود داشت و همواره با آزادی و احترام به آنان می نگرست

، جنبشی آغاز کرده بود. ایزدان بتدریج در هم آمیخته می شدند. نوعی زبان مشترک مذهبی در شرف تکوین بود. البته وحدت بخشیدن به ادیان برای تسلط معنوی بر اقوام و در نتیجه تحکیم مبانی حکومت مرکزی، بسیار دیر در اندیشه ی پارت ها راه یافت. «(بیانی، ۱۳۸۶: ص ۵۴. جهت آگاهی بیشتر رک زرین کوب، ۱۳۸۸: ص ۳۸۷) معادل سازی برخی از ایزدان یونانی و یکی دانستن آن ها با ایزدان ایرانی و توجه به فرهنگ هلنی و تلفیق ادیان با استفاده از اشتراکات آنان، از سیاست مذهبی شاهان و دربار اشکانی بود.

عدم احساس نیاز به یک دین واحد و فقدان اعلام آیین رسمی در دوره ی اشکانیان، موجب آزادی و فعالیت پیروان مذاهب مختلف در ایران شد و زمینه ی رشد و گسترش ادیان گوناگون در این دوره فراهم گردید. «گویا بردباری و مسامحه فراوان نمودار ساختند. همین امر موجب رهایی و نجات بسیاری از مردم تابع ایشان از بیداد و ستم و شکنجه و جنگ و پیروزی دیده می شود.» (کالج، ۱۳۸۸: ص ۱۹۱. جهت آگاهی بیشتر رک زرین کوب، ۱۳۸۸: ص ۳۴۷) اعمال سیاست مذهبی که رنگ و بوی شکیبایی و رواداری دینی داشت، در اتحاد و همبستگی رعایای تحت سلطه ی اشکانیان و یکپارچگی و ثبات حکومت نقش بسزایی داشت.

رعایای تحت سلطه ی امپراتوری اشکانی در انجام مراسم مذهبی و امور آیینی، آزاد بودند. «پارتیان و سایر اقوام امپراتوری اشکانی خدایان گوناگونی را پرستش می نمودند. هرگروه نژادی، هر شهر، سرزمین یا پادشاهی محلی می توانست به خدایان و آیین ها و مناسک مذهبی خود بپردازد.» (بروسیوس، ۱۳۹۲: ص ۱۶۷. جهت آگاهی بیشتر، رک بروسیوس، ۱۳۸۹: ص ۱۷۱) حاکمان ایالات خراج گزار دولت مرکزی و به لحاظ سیاسی تحت امر حکومت اشکانیان بودند ولی در امور دینی و اجتماعی استقلال کامل داشتند. خودمختاری ایالات در امور مذهبی نشان از تسامح دینی شاهان اشکانی دارد که این امر موجب ثبات و آرامش در امپراتوری اشکانیان می شد. اشکانیان نسبت به ملل تابعه تسامح داشتند و ضمن فتوحات گسترده شان، مذاهب کشورهای گشوده شده را محترم می شمردند و در صدد محو ادیان یا آزار پیروان مذاهب ممالک مغلوب نبودند. «با اسیران خویش رفتاری شایسته داشتند، راه دسترسی به مشاغل مهم را به روی بیگانگان باز می گذاشتند و به پناهندگان پناه می دادند.» (دورانت، ۱۳۹۱: ص ۶۲۲. جهت آگاهی

بیشتر رک ورستاندیگ ، ۱۳۸۶ : ص ۸۳ . پیرنیا ، ۱۳۸۹ : ص ۲۱۹۷) اغلب شاهان اشکانی نسبت به مذاهب بیگانه تعصبی نداشتند و پیروان ادیان در امپراتوری آنان آزاد بودند . از این رو اعتراض علیه اشکانیان با بهانه های مذهبی بی تأثیر بود و حکومت اشکانی بیم و هراسی از شورش با انگیزه های دینی علیه خود را نداشت . «در دوران امپراتوری اشکانی پادشاهان محلی اشتیاق زیادی برای کسب استقلال کامل از خود نشان ندادند و انسجام امپراتوری اشکانی به استثنای مواردی معدود که در اواخر آن اتفاق افتاد ، برقرار ماند .» (بروسیوس ، ۱۳۸۹ : ص ۱۶۱) بدون تردید مدارای دینی اغلب شاهان اشکانی ، عامل مهم عمر طولانی حکومت اشکانیان است .

بررسی تساهل و تسامح مذهبی در دوره ی اشکانیان

زندگی بیابانگردی و خاستگاه ایلی قوم پارت از عوامل مهم عدم تعصب دینی پارتیان به شمار می رود . «برای این قوم که خوی بیابانگردی را بیش و کم حفظ کرده بود و نظام زندگی ملوک طوایفی آن ها هم مقتضی آزادی دینی در نزد اقوام تابع بود اعتقاد به رسوم و عقاید باستانی و قومی خویش البته مبنای تشریفات رسمی و خانوادگی بود اما به هیچ وجه مستندی برای خروج از تسامح و سعی در تحمیل عقیده و آیین قومی بر دیگر اقوام نمی شد .» (زرین کوب ، ۱۳۸۸ : ص ۳۸۵) در واقع روحیه ی تسامح و رواداری دینی حکومت اشکانی ریشه در نظام ایلی قوم پارت و تحت تأثیر زندگی بر روی اسب و بیابانگردی آنان دارد .

فر ایزدی و آنچه که شاه را نماینده ی خدا بر روی زمین می دانست و دریافت حلقه ی قدرت از اهورامزدا که به مراتب در عهد ساسانیان از سوی پادشاهان به رعایای خویش القا می شد ، خبری از این مفاهیم در دوره ی اشکانیان نیست و یا به آن شدت و حدت دوران بعد نبود . «تشخیص این نکته که سلاطین اشکانی ، تا چه اندازه به تقدس پادشاهی خود اعتقاد داشتند ، یا سلطنت خود را ودیعه ی الهی می پنداشتند دشوار است .» (بروسیوس ، ۱۳۸۹ : ص ۱۴۳) وضعیت ادیان در این دوره به گونه ای نبود که شاهان اشکانی نیاز چندانی به ادعای وارث حکومت الهی داشته باشند و یا لازم باشد خود را فرد اول پایگاه دینی و معنوی معرفی کنند و برای رسیدن به حکومت و ماندن در قدرت نیازی به تأیید روحانیون نداشتند .

سیاست مذهبی پادشاهان اشکانی بر این اصل استوار بود که در امور دینی تسامح داشته و شکیبایی و روا داری مذهبی در رابطه با ترویج مذاهب لحاظ نمایند. «رعایای خود را اهل هر مذهب که بودند به یک چشم می دیدند. علمای هر طریقه، آزاد و محترم می زیستند و می توان گفت که از این طبقه، موبدهای زرتشتی کم تر از رؤسای سایر مذاهبی شأن و احترام داشتند.» (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۱: ص ۲۴۴) بردباری اشکانیان در امور دینی، بستر مناسب برای شکوفایی ادیان گوناگون را فراهم گرداند. ضمن اینکه در دوره ی اشکانی، نشانی از تعقیب و سرکوب پیروان هیچ کدام از ادیان وجود ندارد. «سرانجام آنکه هیچ گاه از آزادی دینی اشکانی سخنی به ما نرسیده است. اینان گویا بیشتر در بند ظاهر سیاسی دین بودند.» (کالج، ۱۳۸۸: ص ۱۱۹. جهت آگاهی بیشتر ر ک فرای، ۱۳۸۶: ص ۳۲۱. مشکور، ۱۳۶۷: ص ۹۲) در دوره ی اشکانیان، پیروان همه ی ادیان از حق و حقوق یکسانی برخوردار بودند و همه ی کیش و آیین ها از آزادی فعالیت های دینی بهره می بردند.

عقاید دینی قوم پارت و مبنای آداب ایلی آن ها در شیوه ی انجام امور مذهبی سلاطین اشکانی تأثیر بسزایی داشته است و آنان را از متکی بودن به روحانیون رها ساخته بود. «در واقع آنچه به عقاید و رسوم دینی مربوط می شد؛ سنت های قدیم آریایی - مزدایی، برای آن ها ظاهراً بیش از مناسک و آدابی که به وسیله ی مغان و کاهنان الزام می شد جاذبه داشت.» (زرین کوب، ۱۳۹۱: ص ۱۸۰) این نکته قابل تأمل است که شاهان اشکانی در انجام فرائض دینی، خود را موظف به دستورات روحانیون قرار نمی دادند و تقلید از رسوم پیش از خود، دین را یک جنبه ی شخصی می پنداشتند و در انجام مناسک مذهبی نیاز چندانی به حضور مدعیان طریقت (روحانیون) نداشتند. این موارد در شکل گیری و تکوین روحیه ی تساهل و تسامح مذهبی اشکانیان نقش زیادی داشته است.

در دوره ی اشکانی مدارای مذهبی به حدی بود که ورود و حتی خروج افراد از دین، آزاد بود و اینکه با امنیت خاطر می شد دین خود را تغییر داد، قابل تأمل است. «اگر کسی تغییر دین می داد و مذهبی را ترک کرده پیرو مذهب دیگر می شد، کسی معترض او نبود و با وی کاری نداشت.» (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۱: ص ۲۴۴) آنچه را که بعدها با قدرت گیری ادیان شکل گرفت و با

خروج افراد از دین به عنوان ارتداد، مقابله و منجر به قتل وی می گشت در دوره ی اشکانیان وجود نداشت.

در دوره ی اشکانیان مبلغان ادیان و مذاهب گوناگون به ترویج تعالیم خود می پرداختند و پیروان آن ها در انجام فعالیت های دینی آزاد بودند. در این دوره هیچگونه دخالتی در امور مذهبی و انجام فرائض دینی مردم از سوی حکومت دیده نمی شد. «سیاست دینی اشکانیان مانند سیاست کشورداری آن ها چندان متمرکز نبوده است و دست حکومت های محلی و مردم تا حدودی در رفتارهای آیینی و دینی باز بوده است. به سخن دیگر در ایران اشکانی قوم های گوناگون کیش رسمی واحدی وجود نداشت و آزادی مذهبی و دینی هیچ قومی زیر نفوذ دین مرکزیت سیاسی نبود.» (رجبی، ۱۳۸۷: ص ۱۸۰. جهت آگاهی بیشتر ر ک رجبی، ۱۳۸۶: ص ۱۴۴) فعالیت های آزاد ادیان در ایران عصر اشکانی زمینه ی رشد و گسترش کیش و آیین های مختلف را فراهم نمود و بستر لازم برای پیدایش و تکوین برخی ادیان با اصالت ایرانی فراهم گردید.

ساکنان قلمرو اشکانی به طور نا محسوسی به دو گروه تقسیم شده بودند. نخست ایرانیان که غالباً کشاورز بوده و دیگری غیر ایرانیان (یونانیان ساکن در ایران) که اغلب تاجر پیشه بودند. «پارت به دو بخش که نقطه ی مقابل هم بودند تقسیم می شد: نیمی ایرانی، کشاورز و سنت گرا و نیمی دیگر یونانی، تاجر، صنعتگر و متجدد. این دو دسته هیچگونه اشتراک منافی جز وفاداری به سلسله ی فرمانروا با یکدیگر نداشتند. پادشاهان به شهرهایی که یونانیان از آنجا می آمدند توجه داشتند و با آن ها به خوبی رفتار می نمودند.» (ادی، ۱۳۹۲: ص ۱۱۴) در این میان یهودیان نیز که غالباً تاجر پیشه و بازرگان بودند در امپراتوری اشکانی، وضعیت مناسب و مطلوبی داشتند. زیرا حکومت اشکانیان که با روحیه ی دلاوری و جنگاوری تثبیت شده بود، با پول و اقتصاد قوی می توانست به حیات خود ادامه دهد. به همین علت دربار و شاهان اشکانی به جای کنکاش در دین مردم، سیاست مذهبی اتخاذ کردند که رنگ و بوی مدارا داشت و اینگونه توانستند با جذب پیروان همه ی ادیان بر تجارت منطقه تسلط یابند و زمینه ی ثبات و اقتدار خود را فراهم سازند.

در دوره ی اشکانی ، شورایی به نام مجلس مهستان وجود داشت که از مجمع بزرگان (اشراف) و مجمع دانایان (مغان) تشکیل شده بود . شورای بزرگان متشکل از هفت خاندان اشراف بزرگ بود که حق تعیین پادشاه را داشتند ، البته با این تبصره که شاه باید حتماً از خاندان اشکانی باشد . «بزرگان جرات نداشتند قبل از یافتن یک مدعی سلطنت از تبار اشکانی ، علم مخالفت با شاه را برافرازند .» (تنکابنی ، ۱۳۸۳ :ص ۲۲) شورای دانایان که از روحانیون (مغان) تشکیل شده بود چندان نفوذ و تأثیری در قدرت و حکومت نداشتند . «دو شورای یاد شده متفقاً مشورت امور را بر عهده داشتند اما مجلس اول قوه ی حقیقی محسوب می شد و شورای دوم صرفاً قدرت مشورتی داشت .» (همان. جهت آگاهی بیشتر ر ک دیاکونوف ، ۱۳۹۰ : صص ۲۱۷ - ۲۱۶ . دیاکونوف ، ۱۳۹۱ :ص ۶۸ . اعتماد السلطنه ، ۱۳۷۱ : ص ۲۴۱) قدرت نداشتن شورای مغان به این علت بود که در دوره ی اشکانی هیچ دین و مذهبی رسمی اعلام نشده بود و روحانیون هیچ یک از ادیان قدرت سیاسی پیدا نکردند و حق دخالت در امور حکومت و تعیین تکلیف برای پادشاه را نداشتند . لذا شاهان اشکانی بر اساس مقتضیات و شرایط خاص با روحانیون ، فقط مشورت می کردند .

شاید بتوان گفت که امپراتوری اشکانی نسبت به سایر حکومت های ایرانی ، استبداد کمتری داشته است ؛ زیرا وجود شورای مهستان که البته از مجلس سنا در یونان الگو گرفته بود ، انتخاب شاه و رسیدنش به قدرت را به نوعی مشورتی کرده بود و در امور حکومت تا حدودی نظارت داشت ، این مجمع از استبداد پادشاه می کاهید . «روی هم رفته نقش دیکتاتوری در خاندان اشکانی در میان همه ی خاندان هایی که در طول تاریخ ایران بر ایرانیان فرمان رانده اند ، کمترین تر از همه بوده است. در حالی که شاهان دوره ی اشکانی بیشتر از هر دوره ای عزل شده اند و با اینکه شاه شخص اول کشور بود ، در حقیقت قدرت اصلی و پنهان در دست شورای خانوادگی و مجلس اشراف است و خرمندان .» (رجبی ، ۱۳۸۶ : ص ۱۲۱ . جهت آگاهی بیشتر ر ک ولسکی ، ۱۳۸۸ : ص ۱۲۵ . ورستاندیگ ، ۱۳۸۶ : ص ۱۵۹ . پیرنیا ، ۱۳۸۹ : صص ۱۸۴۲ - ۱۸۴۱) البته این نکته حائز اهمیت است که نظارت و نفوذ مجلس مهستان در امور حکومت ، بستگی به قدرت شاه داشت و با افزایش قدرت پادشاه از اعتبار این مجمع کاسته می شد . آنچه که مسلم است این

مجلس به غیر از وظیفه ی انتخاب شاه از خاندان شاهی ، در اعمال سیاست های حکومت نیز نقش بسزایی داشته است .

حکومت اشکانی که تا حدودی از طریق مجلس مهستان در اعمال سیاست هایش با خرد جمعی تصمیم گیری و اداره می شد ، توانست با سیاست تساهل و تسامح مذهبی ثبات و آرامش را در امپراتوری خود برقرار کند و روز به روز به اقتدار حکومت خود بیفزاید و طولانی ترین عمرسلسله ی عهد باستان ایران را به خود اختصاص دهد . «پارتیان اگر پایبند خود و کشورداری نبودند نمی توانستند تا پانصد سال فرمان برانند .» (کالچ ، ۱۳۸۸ : ص ۸۹) این در حالی است که در جامعه اشکانی هیچ نشانی از سختگیری دینی و تنش میان پیروان مذاهب وجود ندارد و سعی جدی در گردآوری عقاید دینی رایج و تحریک توده مردم به پذیرش آن نشده است . کتاب های ویس و رامین و یادگار زبیران و منظومه ی نخل و بز (درخت آسوریک) و داستان بیژن و منیژه ، ریشه در افسانه های حماسی و روایات عاشقانه ی عصر اشکانیان دارد . نکته ی قابل تأمل اینکه در زمینه ی علوم دینی ، به طور مستقیم اثری از دوره ی پارتی - اشکانی نداریم . این واقعیت تا حدودی می تواند نشان از وضعیت تسامح گونه ی سیاست دینی اشکانیان باشد .

نتیجه گیری

تاریخ و تمدن ایران در عهد باستان ، تا حدودی عصر زرین و دوران شکوه خود را در دوره ی استقرار حکومت اشکانیان گذرانده است . تاریخ پانصد ساله ی امپراتوری اشکانی ، اقتدار خود را مدیون اقتصاد قوی و تسلط و تجارت منطقه و حراست از جاده ابریشم می داند ، از این رو برای فراهم نمودن امنیت که لازمه ی تجارت و رونق اقتصاد می باشد ؛ شاهان اشکانی با تشکیل ارتش قوی ، ثبات و آرامش را در قلمرو خویش برقرار نمودند و برای تداوم قدرت به دست آمده ، خود مختاری حساب شده ای به ایالات تابعه می بخشیدند . در این میان عاملی که موجب می گردید شورش های احتمالی بر علیه حکومت تا حدودی متوقف و یا کاهش چشمگیری یابد ، سیاست دینی آنان با پیروان مذاهب در میان رعایای خویش است . اشکانیان با سیاست تساهل و تسامح مذهبی نسبت به اندیشه های گوناگون و پیروان ادیان رایج در ایران ، ثبات و آرامش

را در امپراتوری خود بر قرار نمودند و پیروان مذاهب و اقوام ساکن در فلات ایران را متحد حکومت خویش ساختند .

شکلیابی و بردباری دینی پادشاهان اشکانی ، بستر لازم برای رشد و گسترش آیین های مختلف و ظهور و پیدایش برخی ادیان در ایران را فراهم نمود . در این میان شورای مهستان در اعمال سیاست های دینی سلاطین اشکانی نقش قابل ملاحظه ای ایفا می نمود . مجمع مهستان به غیر از وظیفه انتخاب پادشاه از میان خاندان اشکانی ؛ نقش بسزایی در تعیین سیاست های کلی حکومت داشت . اعضای این مجلس که از میان اشراف ، بزرگان و گروهی از روحانیون انتخاب می شدند ، در عدم اعلام آیین واحد و رسمی شدن یک دین نقش مهمی داشتند . زیرا بر قراری دین رسمی ؛ برابر با به حاشیه رفتن و در نهایت سرکوب سایر ادیان است . از این رو، روحانیون ادیان مختلف که از اعضای مجلس مهستان بودند ، تا پایان عمر حکومت اشکانی ، زمینه ی استقرار آیین واحد و اعلام دین رسمی را مهیا نداشتند که البته این امر ، خواسته یا ناخواسته موجب اتحاد و انسجام میان ادیان و اقوام در پی پشتیبانی از حکومت اشکانیان می گردید .

شاهان اشکانی که عقاید مذهبی خود را داشتند و اغلب آنان پیرو تعالیم میترائیسم و کیش مهر بودند و برخی از آن ها به آیین زرتشت گرایش داشتند ؛ بیشتر برای رسیدن به مقاصد سیاسی ، خویش را مقید به انجام امور دینی نشان می دادند . در حالی که فاقد تعصبات مذهبی بودند در این میان پیروان همه ی ادیان و مذاهب از ثبات و آرامش حاصل شده در امپراتوری اشکانی ، آزادانه به فعالیت های آیینی و انجام فرائض مذهبی خود می پرداختند که این امر موجب گردید شورشی با انگیزه های دینی بر علیه حکومت اشکانی تا پایان حیات این سلسله صورت نگیرد . تاریخ سترگ اشکانیان که طولانی ترین عمر تاریخ حکومت در ایران عهد باستان را به خود اختصاص داده ، بی شک مدیون سیاست تساهل و تسامح مذهبی و روحیه بردباری دینی شاهان و دربار اشکانی است .

منابع و مأخذ

۱. ادی . ساموئل کندی ، (۱۳۹۲) ، آیین شهریاری در شرق ، ترجمه فریدون بدره ای ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم .
۲. اعتماد السلطنه ، محمد حسن. (۱۳۷۱). درر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان تاریخ اشکانیان ، به اهتمام نعمت احمدی تهران: انتشارات اطلس، چاپ اول.
۳. بختورتاش . نصرت اله. (۱۳۸۷). تاریخ پرچم ایران درفش ایران از باستان تا امروز ، تهران: انتشارات بهجت، چاپ سوم.
۴. بروسیوس . ماریا ، (۱۳۸۹) ، تمدن درخشان ایرانیان ، ترجمه محمود طلوعی ، تهران: انتشارات تهران: چاپ دوم.
۵. ، (۱۳۹۲) ، ایران باستان هخامنشیان اشکانیان ساسانیان ، ترجمه عیسی عبدی ، تهران: نشر ماهی، چاپ دوم .
۶. بویس . مری ، (۱۳۹۱) ، زرتشتیان باورها و آداب دینی آن ها ، ترجمه عسکر بهرامی ، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ دوازدهم .
۷. بیانی . شیرین ، (۱۳۸۶) ، شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم .
۸. پیرنیا . حسن ، (۱۳۸۹) ، تاریخ ایران باستان ، جلد سوم ، تهران: انتشارات نگاه ، چاپ هفتم.
۹. تنکابنی . حمید ، (۱۳۸۳) ، در آمدی بر دیوان سالاری در ایران ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول .
۱۰. حسینی شکرایی . احترام السادات ، (۱۳۹۰) ، نقش اعداد از باستان تا کنون ، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول .
۱۱. دورانت . ویلیام جیمز ، (۱۳۹۱) ، تاریخ تمدن قیصر و مسیح ، ترجمه حمید عنایت، پرویز داریوش، علی اصغر سروش ، جلد سوم ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پانزدهم .

۱۲. دیاکونوف . میخائیل میخائیلوویچ ، (۱۳۹۰) ، تاریخ ایران باستان ، ترجمه روحی ارباب ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم .
۱۳. ، (۱۳۹۱) ، اشکانیان ، ترجمه کریم کشاورز ، تهران: نشر و انیا، چاپ اول .
۱۴. رجیبی . پرویز ، (۱۳۸۶) ، تاریخ ایران در دوره ی سلوکیان و اشکانیان ، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم .
۱۵. ، (۱۳۸۷) ، الف ، جشن های ایرانی ، تهران: انتشارات آرتامیس، چاپ دوم .
۱۶. ، (۱۳۸۷) ، ب ، هزاره های گمشده اشکانیان پارت ها ، ج چهارم ، تهران: انتشارات توس، چاپ سوم .
۱۷. زرین کوب . عبدالحسین ، (۱۳۸۸) . آشنایی با تاریخ ایران ، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم .
۱۸. ، (۱۳۸۸) ، ب ، تاریخ مردم ایران ایران قبل از اسلام ، جلد اول ، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم.
۱۹. ، (۱۳۹۱) ، روزگاران تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی ، تهران: انتشارات سخن، چاپ سیزدهم .
۲۰. شپیمان . کلاوس ، (۱۳۹۰) ، مبانی تاریخ پارتیان ، ترجمه هوشنگ صادقی ، تهران: نشر فرزاد روز، چاپ سوم .
۲۱. صمدی . مهرانگیز ، (۱۳۸۳) ، ماه در ایران از قدیمی ترین ایام تا ظهور اسلام ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم .
۲۲. عرب بدوئی . ربابه ، (۱۳۸۸) ، حقوق بشر در ایران باستان ، تهران: نشر علم، چاپ اول .
۲۳. فرای . ریچارد نلسون ، (۱۳۸۶) ، میراث باستانی ایران ، ترجمه مسعود رجب نیا ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی ، چاپ هشتم.

۲۴. فره وشى . بهرام ، (۱۳۸۸) ، فرهنگ فارسى به پهلوى ، تهران : انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ چهارم .
۲۵. ، (۱۳۹۰) ، فرهنگ زبان پهلوى ، تهران : انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ ششم .
۲۶. کالج . ماکوم ، (۱۳۸۸) ، اشکانیان پارتیان ، ترجمه مسعود رجب نیا ، تهران : انتشارات هیرمند ، چاپ چهارم .
۲۷. کرتیس . وستا ، (۱۳۹۰) ، پارت ها و روزگارشان پژوهشى در تاریخ باستان ایران ، ترجمه محمود فاضلى بیرجندى ، تهران : انتشارات پایان ، چاپ اول .
۲۸. گیرشمن . رومن ، (۱۳۸۸) ، ایران از آغاز تا اسلام ، ترجمه محمد معین ، تهران : انتشارات علمى و فرهنگى ، چاپ نوزدهم .
۲۹. لوزینسكى . بوهدان فیلیپ ، (۱۳۸۰) ، خاستگاه پارت ها ، ترجمه رقیه بهزادى ، تهران : انتشارات پژوهنده ، چاپ اول .
۳۰. مشکور . محمد جواد ، (۱۳۶۷) ، تاریخ سیاسى و اجتماعى اشکانیان پارتیان یا پهلویان قدیم ، ترجمه مسعود رجب نیا ، تهران : انتشارات دنیای کتاب ، چاپ دوم .
۳۱. میرسعیدى . نادر ، (۱۳۸۷) ، سلوکیان و اشکانیان ، تهران : انتشارات ققنوس ، چاپ اول .
۳۲. نور آقایی . آرش ، (۱۳۹۰) ، عدد نماد اسطوره ، نشر افکار ، چاپ سوم .
۳۳. ورستاندیگ . آندره ، (۱۳۸۶) ، تاریخ امپراطورى اشکانیان ، ترجمه محمود بهفروزی ، تهران : انتشارات جامى ، چاپ اول .
۳۴. ولسكى . یوزف ، (۱۳۸۸) ، شاهنشاهی اشکانی ، ترجمه مرتضی ثاقب فر ، تهران : انتشارات ققنوس ، چاپ چهارم .
۳۵. ویزهوفر . یوزف ، (۱۳۹۲) ، امپراطورى اشکانی و اسناد و منابع آن ، گروه مترجمین ، تهران : نشر فرزانه روز ، چاپ اول .

۳۶. یعقوبی . احمد بن اسحاق ، (۱۳۸۹) ، تاریخ یعقوبی ، ترجمه محمد ابراهیم آیتی ، جلد اول ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم .

